



سرطان راهی است که به تنهایی نباید پیمود

گروه ایرانی حمایت از بیماران سرطانی

هموطنان عزیز،

پیوند سلولهای بنیادین و مغز استخوان یکی از روشهای درمان، و معمولاً آخرین راه درمان برخی از سرطانهای خون و لنف می باشد. فرآیند پیوند، پیچیده و دقیق است، و به دلیل محدودیتهای ژنتیکی و فیزیولوژیکی، یافتن فرد اهداکننده ای که سلولهایش با بدن بیمار سازگار باشند، کار ساده ای نیست. آشکار است که هر چه تعداد افرادی که مایل به اهداء سلول باشند بیشتر باشد، بخت بیمار برای یافتن یک اهداکننده سازگار و نجات جانش از بیماری بیشتر است. لازم به یادآوری است که اهداء سلول برای فرد اهداکننده خطر جدی در بر ندارد.

ما طی چند شماره، مجموعه مقالاتی را برای آشنایی شما با فرآیند پیوند سلول بنیادین و مغز استخوان و مسایل مرتبط با آن ارایه می کنیم، با این امید که آگاهی تان از این مقوله، باعث شود شما هم به جمع اهداکنندگان سلول بپیوندید تا شاید بتوانید جان بیماری را نجات دهید. ضمناً سمیناری در تاریخ ۱۴ نوامبر در نورث یورک سنتر برگزار می شود که جزییات آن متعاقباً از طریق همین روزنامه اعلام می گردد.

گروه ایرانی حمایت از بیماران سرطانی (ICSG)

بخش سوم

در بخشهای پیشین، در مورد سلولهای بنیادین خون و پیوند آنها، سازگاری بین اهداکننده و بیمار، چگونگی اهداء سلول و تصورات اشتباهی که در مورد کل فرآیند پیوند در میان مردم وجود دارد، صحبت کردیم. اکنون به معرفی سازمانی که در کانادا متولی این امر است می پردازیم.

شبکه OneMatch

”شبکه سلول بنیادین و مغز استخوان OneMatch“ (One Match Stem Cell and Marrow Network) در ابتدا با نام ”دفتر ثبت نام اهداکنندگان غیرفامیل مغز استخوان“ (Unrelated Bone Marrow Donor Registry – UBMDR) در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد. این سازمان تلاش خود را وقف پیدا کردن و گردآوری اهداکنندگانی کرده است که سالم و متعهد به کمک هستند و مغز استخوانشان با بیماران نیازمند به پیوند در کانادا و سراسر دنیا سازگاری دارد.

در سال ۲۰۰۶، OneMatch از طرف "انجمن جهانی اهداکنندگان مغز استخوان" (WMDA) به عنوان هفتمین عضو از ۶۲ عضوی که در راستای این هدف فعالیت می‌کنند، به رسمیت شناخته شد. اعطای این اعتبار به OneMatch از طرف WMDA از این جهت حایز اهمیت است که نشان می‌دهد "سازمان انتقال خون کانادا" (Canadian Blood Services) به اهداف خود در بی‌خطرسازی فرآیند اهداء سلول بنیادین برای هر دو فرد گیرنده و دهنده، نایل آمده است. سه عامل همدردی، عزم راسخ و بهره‌گیری از علوم به یک اندازه در پیش برد اهداف OneMatch دخیل هستند.

مراحل پیشرفت

۱۹۵۸: کشف سیستم HLA

پیوند مغز استخوان بین دو فرد غیرفامیل، ریشه در سالهای دهه ۱۹۵۰ دارد. در آن زمان دانشمندی فرانسوی به نام ژان دوسیه (Jean Dausset) اولین آنتی‌ژن گلوبول سفید انسانی (HLA یا Human Leukocyte Antigen) را کشف کرد. آنتی‌ژنهای HLA پروتئین‌هایی هستند که به سیستم ایمنی بدن برای شناسایی و دفاع علیه عوامل خارجی مثل باکتریها و ویروسها کمک می‌کنند. از این میان، ۶ آنتی‌ژن HLA برای انجام موفقیت‌آمیز یک پیوند مغز استخوان مهم هستند. سازمانهای ثبت‌نام کننده از اهداکنندگان مغز استخوان، هنگام تطابق اهداکننده با بیمار نیازمند به پیوند، به این ۶ آنتی‌ژن دقت می‌کنند. تلاش بر این است که آنتی‌ژنهای HLA فرد اهداکننده تا حد امکان به آنتی‌ژنهای فرد گیرنده پیوند نزدیک باشند. در غیر این صورت خطر حمله سیستم دفاعی بدن گیرنده علیه سلولهای مغز استخوان اهداء شده وجود دارد.

۱۹۷۹: اولین پیوند موفقیت‌آمیز بین دو فرد غیر فامیل

اولین پیوند مغز استخوان از یک اهداکننده غیر فامیل که منجر به بیش از ۵ سال افزایش عمر فرد گیرنده بدون هیچگونه علایمی از بیماری گردید، در سال ۱۹۷۹ در شهر سیاتل آمریکا انجام شد. تا آن زمان، پیشرفتهای پزشکی پیوند مغز استخوان بین دو فرد فامیل را به سرعت به یک روش درمانی مؤثر و زندگی‌بخش تبدیل کرده بود. گرچه، در آن زمان تنها ۲۵٪ بیماران قادر بودند فرد اهداکننده‌ای را در میان خواهر یا برادر یا اقوام خود بیابند. اگر یک اهداکننده سازگار غیر فامیل پیدا می‌شد، زندگی بیماران بیشتری نجات پیدا می‌کرد. در ابتدا، تعدادی از مراکز پزشکی شروع کردند به تهیه فهرستی از داوطلبان اهداکننده مغز استخوان، اما به زودی مشخص شد که یک سازمان در ابعاد ملی کارآیی بیشتری خواهد داشت. بنابراین، ایده ایجاد یک فهرست کانادایی متولد شد.

دهه ۱۹۸۰: سالهای شکل‌گیری

در سال ۱۹۸۱، سازمان صلیب سرخ کانادا یک گروه کاری برای ایجاد یک فهرست ملی از اهداکنندگان مغز استخوان تشکیل داد. وظیفه این گروه نظارت و بررسی گسترش فهرستی مشابه مدل آمریکایی آن و استفاده از تجربیات آمریکاییان در این مورد و نیز ارزیابی نیاز، ارزش و هزینه ایجاد چنین فهرستی برای کانادا بود. در سال ۱۹۸۳، صلیب سرخ کانادا، تحقیقی در مورد فراخوان اهداکنندگان مغز استخوان در شهر اتاوا و استان نیوفاندلند انجام داد. در مراحل اولیه، این تحقیق بر گردآوری اهداکنندگان پلاکت

خون که قبلاً در صلیب سرخ کانادا ثبت نام کرده بودند تمرکز کرده بود. ترکیب HLA این افراد قبلاً تعیین و علاقه و تعهدشان ثابت شده بود. نتیجه تحقیق خوب بود. حدود نیمی از اهداکنندگان پلاکت در آتاوا به صلیب سرخ گفتند که تمایل دارند به عنوان اهداکنندگان بالقوه مغز استخوان نیز در نظر گرفته شوند.

ایده تشکیل چنین فهرستی، توجه و حمایت زیادی از منابع مختلف مثل پزشکان، مراکز پیوند، دست اندرکاران امر بهداشت، و از همه مهمتر، شهروندان کانادایی، دریافت می کرد. همین که مردم می فهمیدند فردی در همسایگی شان نیازمند پیوند مغز استخوان است، با همدیگر راه می افتادند تا پول جمع کنند و اهداکنندگان بالقوه را گرد آورند.

گروه هایی مانند "انجمن اهداکنندگان مغز استخوان بروس دنیستون" و "کارزار نجات الیزابت" (که بعدها به بنیاد مغز استخوان الیزابت لو تغییر نام داد) به ایجاد فهرست داوطلبان اهداکننده که بعدها به فهرست ملی اضافه شد، کمک کردند. فعالیتهای آنان جامعه کانادا را تحت تأثیر قرار داد و امید تازه ای را در بین بیماران گستراند. حالا دیگر بذر ایجاد یک فهرست ملی کاشته شده بود.

۱۹۸۹: ثبت نام اهداکنندگان غیر فامیل مغز استخوان شروع می شود

در سال ۱۹۸۹، دولت های استانی قرارداد ۳ ساله ای به ارزش ۲/۵ میلیون دلار برای تشکیل رسمی دفتر ثبت نام اهداکنندگان غیر فامیل مغز استخوان منعقد کردند. نقش این دفتر ثبت، این بود که اهداکنندگان متعهد و داوطلب را برای بیماران نیازمند در سطح ملی و بین المللی گردآوری کند. تا پاییز ۱۹۹۰، دفتر ثبت نام، سیستم جستجوی خود را برقرار کرد و ۱۲ کلینیک اهداء مغز استخوان در سراسر کانادا شروع به گردآوری اهداکنندگان کردند. در آن سال ۳۰ پیوند مغز استخوان بین افراد غیر فامیل در کانادا انجام شد. دهه بعد شاهد پیشرفتهای خیره کننده ای در دانش پیوند مغز استخوان بود. تعداد پیوندها به بیش از ۱۰۰ عدد در سال رسید و بر تعداد افراد اهداکننده نیز روز به روز افزوده شد.

۱۹۹۸: سازمان انتقال خون کانادا سرپرستی این امر را به عهده گرفت

در سال ۱۹۹۸، سرپرستی ثبت نام اهداکنندگان غیر فامیل مغز استخوان به سازمان انتقال خون کانادا، سازمانی که برای مدیریت امور مربوط به انتقال فرآورده های خونی در کشور تأسیس شده بود، داده شد. دانش پیوند مغز استخوان یک بار دیگر با فراهم آمدن درمانهای جدیدتر، تکنیکهای پیشرفته تر طبقه بندی HLA و پیدا شدن منابع جدیدتر سلولهای بنیادین برای پیوند، گامی بزرگ برداشت. سازمان انتقال خون متعهد است که مدیریت راهبردی و علمی فهرست اهداکنندگان را بر عهده بگیرد و از پیشرفتهای علمی کمال استفاده را ببرد تا بتواند نیازهای بیماران محتاج به پیوند مغز استخوان را با کارایی هرچه بیشتر برآورده سازد.

۲۰۰۶: دفتر ثبت نام اهداکنندگان غیر فامیل مغز استخوان کانادا، اعتبار بین المللی پیدا می کند.

در سال ۲۰۰۶، دفتر ثبت نام اهداکنندگان کانادا از طرف اتحادیه جهانی اهداکنندگان مغز استخوان (WMDA)، به عنوان هفتمین عضو از میان ۶۲ عضوی که به این اعتبار رسیده اند به رسمیت شناخته شد.

WMDA سازمانی جهانی است که استانداردهای بین‌المللی برای جمع‌آوری و پیوند سلولهای بنیادین پرکیفیت را برای بیماران نیازمند تعیین می‌کند.

برای به رسمیت شناخته شدن توسط WMDA، دفاتر ثبت‌نام باید تعهد خود به استانداردهای WMDA را، که در ۹ زمینه، شامل گردآوری اهداکنندگان، تکنولوژی اطلاعات، تسهیل در جستجو، جمع‌آوری و انتقال سلولهای بنیادین، پیگیری سلامت هر دو فرد اهداکننده و دریافت کننده پیوند، و مسایل مالی و حقوقی می‌باشد، نشان دهد.

۲۰۰۷: دفتر ثبت‌نام اهداکنندگان غیر فامیل مغز استخوان به شبکه سلول بنیادین و مغز استخوان **OneMatch** تغییر نام می‌دهد.

سال ۲۰۰۷ تغییر بزرگی را برای دفتر ثبت‌نام اهداکنندگان غیر فامیل مغز استخوان به همراه دارد. مغز استخوان محل وجود سلولهای بنیادین است که در واقع واحدهای سازنده خون هستند. اما سلولهای بنیادین در جریان خون محیطی (که در بدن می‌گردد) و در خون بند ناف نیز وجود دارند. سازمان انتقال خون کانادا جمع‌آوری سلولهای بنیادین از هر دو منبع مغز استخوان و خون محیطی را حمایت می‌کند. بنابراین برای اینکه این تغییر در نحوه اهدای سلولهای بنیادین بهتر منعکس شود و آگاهی و شناخت از کار این سازمان افزایش یابد، دفتر ثبت‌نام اهداکنندگان غیر فامیل مغز استخوان به "شبکه سلول بنیادین و مغز استخوان **OneMatch**" تغییر نام داد.